



ماهي گير ثروتمند

يك بازرگان موفق و ثروتمند ، از يك ماهي گير شاد كه در روستايي در مكزيك زندگي مي كرد و هرروز تعدادكمي ماهي صيد مي كرد و مي فروخت پرسيد : چقدر طول مي كشد تا چند تا ماهي بگيري ؟

ماهي گير پاسخ داد: : مدت خيلي كمي

بازرگان گفت : چرا وقت بيشترى نمي گذاري تا تعداد بيشترى ماهي صيد كني؟

پاسخ شنيد: چون همين تعداد براي سير كردن خانواده ام كافي است .

بازرگان متعجب پرسيد : پس بقيه وقتت را چيكار مي كني؟

ماهي گير جواب داد: با بچه ها يم گپ مي زنم . با آن ها بازي ميكنم .

بازرگان به او گفت : اگر تعداد بيشترى ماهي بگيري مي تواني با پولش قايق بزرگتري بخري و با درآمد آن

قايق هاي ديگري خريداري كني آن وقت تعداد زيادي قايق براي ماهيگيري خواهي داشت .

بعد شركتي تاسيس مي كني و اين دهكده كوچك را ترك مي كني و به مكزيكوسيتي مي روي و

بعدها به نيويورك وبه مرور آدم مهمي مي شوي .

ماهي گير پرسيد : اين كار چه مدتي طول مي كشد و پاسخ شنيد : حدودا بيست سال .

و بازرگان ادامه داد: در يك موقعيت مناسب سهام شركت را به قيمت بالا ميفروشي و اين كار ميليون ها دلار نصيبت مي كند.

ماهي گير پرسيد : بعد چه اتفاقي مي افتد ؟

بازرگان جواب داد : بعد زمان باز نشستگيت فرا مي رسد . به يك دهكده ي ساحلي مي روي براي تفريح ماهي گيري ميكني . زمان بيشترى با همسر و خانواده ات مي

گذراني

ماهي گير با تعجب به بازرگان نگاه كرد

اما آيا بازرگان معنای نگاه ماهي گير را فهميد؟